

نقطه نظر / سرمقاله

شرق، جلوه‌گاه نور

لذت ویژه‌ای که از شناخت شرق افسانه‌ای و اساطیری تا شرق تاریخی باستان دست می‌دهد، در سایر موارد احساس نمی‌شود. تاریخ تمدن شرق با پیشینه بیش از هفت هزارسال بیانگر این واقعیت است که تمدن بشر از شرق آغاز شده و مثل: «نور از شرق است» و به‌صورت واقعیتی انکارناپذیر تجلی یافته است. از دیدگاه دیگر، در غرب ابتدا خبری نبوده است. در پهنه تاریخ شرق، در میان نوشته‌ها و آثار برگزیدگان جهان و نشانه‌های خانوادگی خاندان‌های شاهی و سایر مدارک معتبر تاریخی، منشأ تاریخ ادیان در دوران چند خدایی و پرستیدن ایزدان حامی انسان در مقابل عوامل طبیعی به شرق منسوب است، و با در دست بودن آثار ارزشمندی مانند وداهای هندی به‌ویژه «ریک‌ودا» و بخش‌هایی از اوستا که قبل از زرتشت سروده شده‌اند مانند «یشت‌ها»^۱ می‌توان گفت که تفکر دینی و معنوی انسان‌ها از شرق پر رمز و راز آغاز شده است. مخصوصاً این مدارک و اسناد تاریخی در این زمان نشان می‌دهد پیوند انسان با آسمان و ستارگان و پس از آن شناختن خدای یگانه و جهان پس از مرگ و دخول انسان در بهشت و دوزخ پس از سنجش اعمال نیک و بد به وضوح به چشم می‌خورد و بیانگر پیوند انسان با آسمان از شرق است. حال با نظری به کتاب تورات که می‌گوید: «و خداوند انسان را از خاک زمین بسرشت و در وی روح حیاط دمید و آدم نفس زنده شد و خداوند باغی در عدن سمت مشرق غرس نمود و آن آدم را که سرشته بود در آن جا گذاشت، و نه‌ری از عدن بیرون آمد تا باغ را سیراب کند و از آن جا منقسم گشته و چهار شعبه شد. نام اولی فیشون است که تمام زمین حویله را که تمام زمین آن جا طلاست احاطه می‌کند و طلای آن زمین نیکوست و در آن جا مروارید و سنگ جزع^۲ است. و نام نهر دوم جیون که تمام زمین کوش (کوشان) را احاطه می‌کند. نام نهر سوم حدقل که به طرف شرق آشور جاریست و نهر چهارم فرات است» (سفر پیدایش باب هفتم تا پانزدهم تورات). همین معنی در قرآن کریم در سوره‌های حجر و ص آمده است که حق تعالی می‌فرماید: «فأذا سویته و نفخت فیه من روحی فقعوا له سجدین: پس وقتی او را آراستیم و از روح خود در او دمیدیم پیش او به سجده در افتید (خطاب به فرشتگان)». به قول عطار نیشابوری:

سَر روح از عالم فکر است و بس پس نفخت فیه من روحی نفس

وقتی قالب آدم از گل به فرمان خداوند ساخته شد و قرار بر این بود که روح وارد تن شود انسان دچار ترس شد، از این رو فرشتگان با آواز ملکوتی خود او را تشویق کرده، وادار به اطاعت نمودند:

آن روز که روح پاک آدم به بدن خواندند فرشتگان به لحن داوود
گفتند دراه نمی‌شد از ترس به تن در تن دراه، دراه، دراه، دراه، دراه، دراه، اندر تن^۳

با کمی تأمل می‌توان دریافت که در مشیت الهی موسیقی عامل امتزاج (نفخت من روحی: از روح خود در او دمیدم) است. به فرموده مولانا:

بانگ گردش‌های چرخ است آن که خلق می‌نوارندش به تنبور و به حلق
خشک سیم و خشک چوب و خشک پوست از کجا می‌آید این آواز دوست؟

آغاز داستان دراز عشق و آشنایی با آن چه جویندگان و کاوندگان از ژرفای خاکشان بدر می‌آورند و با هر کشفی دری جدید بر گذشته‌های بسیار دور بر شرق و هنر شرق می‌گشایند. اما این آغاز کار شرق‌شناسی و بالاخص ایران‌شناسی است که بخش بزرگی از پیکره و تاریخ مشرق زمین است. به قول شاعر بزرگ فارسی زبان اقبال لاهوری:

گمان مدار به پایان رسید کار مغان هزار جریحه ناخورده در دل تاک است

۱. باید توجه داشت که بخش‌های بزرگی از مجموعه اوستا به ویژه یشت‌ها پیش از زرتشت سروده شده است که در آنها اعمال و مناسکی که بر خلاف نظریه زرتشت بودند این نکته را تأیید می‌کنند، از جمله انجام قربانی و ...
۲. جزع نوعی عقیق کمیاب است.

۳. با کمی دقت متوجه می‌شویم که بیت آخر با گام موسیقی دو، ر، می، فا، سل، لا، سی مطابقت دارد.

فریدون آورزمانی

گروه علوم و تاریخ هنر، پژوهشکده نظر، تهران، ایران
f.avarzamani@ut.ac.ir

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

آورزمانی، فریدون. (۱۴۰۴). شرق، جلوه‌گاه نور. مجله هنر و تمدن شرق، ۱۳(۵۰)، ۵.

DOI: 10.22034/jaco.2025.237780

URL: https://www.jaco-sj.com/article_237780.html?lang=fa

